

ارباب استعمارگری که به خانه

بزرگشت

فروت گم و بیابان ساحل عاج، فلسطین رستوران، باستان آفریقا، تانزانیا، کوبا که در یک مجموعه ششمی و در مقابل جزایر یک خانه کوچک و در هم آمیخته با جاده سبز بر کرده است.

سیون از روستایان دربار و استعماری خود از یک شفافیت است که واهی کتابی شده میخورند و دریا، مسائل سیاسی حرف میزنند، در داخل سینه چرخ میزنند و خارها را بر جمعیت می افشانند، با توپ و تانک می کنند برنامه از پاریس بخانه میزنند و موضوعات سیاسی از منطقه نظر فرانسه بیان

پس از بیست سال که از آزادی کشورهای فرانسه ان میگردد، این ارباب استعمارگر به خانه خود برگشته استند. سرانجام فرانسوی دستکم در مراکز بیست کشور و فرقیاتان از برای بداند. کارگران فرانسه و وزیر تخته های دول از پاریس را اداره میکنند و جبار فرانسوی مشغول به سخن استعمار است، باند و ستابع افراطی است، هنوز هم میتوان در پیش از ده کشور آفریقائی در ملواری که به اسم ژنرال توکل نامگذاری شده است، در قهوه خانه ای نشست و در زمانه نوموند ورق زد.

حضور جگر فرو شاه فرانسه در آفریقا، یعنی سات اقتصادی و سیاسی توانم بوده است و به همین دلیل ساکنان تازه سیاه میادان پاریس است که به جیب پر باز و بیخوار است خندان داده اند.

* بر چه اساسی سربیک ملل گرایی رو به گسترش ساکنان و پس از بیست سال از آزادی فرانسوی، کوزله های مجبور خفته است که در حسی از سرکای تجارتی جدیدی برانند.

فرانسوا میسان، رئیس جمهور سومین است فرانسه ظاهر ضمنی اعلام کرده است که در زنگر تسلط فرانسه بر آفریقا سر اندازد و با همان طریقه این سخنان ارباب استعمارگر به بیست ساله با در نمی گردد، آفریقائی

فرانسوی در ترکیه چون به فرانسه منگی هستند بر موقوفه های آفریقائی گنم زده ای تری و بویا ایلاتی منجمد هم به خاطر نمشی که از استعمارگر دور آفریقائی نمیشود و شرفی داده به

فرانسویان استعمارگران فرانسه هر چه در میسند که این کشور با امروهای از حسن استوار استعماری و گستاخ نظامی و با

فرانسویان استعمارگران فرانسه هر چه در میسند که این کشور با امروهای از حسن استوار استعماری و گستاخ نظامی و با

نوشته: چون کرون هوز
پاریس میفرسازد و صرف نظر از تبعیت خود به طور وسیعی با هم میان ازدواج میکنند. فلیکس هوفویت جوانگی که در عمر بیست ساله استقلال ساحل عاج ریاست جمهوری آن کشور را به عهده داشته است. هوان وزیر کابینه چارلز دوگاله به پاریس

- * بیسی از بیست سال که از آزادی کشورهای تحت سلطه ان می گذرد این ارباب استعمارگر (فرانسه) به خانه خود برگشته است.
- * سرانجام فرانسوی دستکم در مراکز بیست کشور آفریقائی اردو زده اند.
- * مستندان و ستیشگران فرانسه هر چه معتقدند که این کشور با اینده ای از حسن نیت استعماری و گستاخی نظامی و یا بهره گیری از شتم بسیار حساس خود در شخصیت منافع شخصی، پایگاه قدرت خود را در آفریقا نگاه داشته است.

* کشورهای تحت سلطه

فرانسه در زمینه (کمپ) مهارت و دستیابی به تخصص نیز محتاج فرانسه هستند بر پایه اقدامهای بانک جهانی، در ساحل عاج خارجیان که اکثر آنها را فرانسویان تشکیل میدهند فشار در صدد مشاغلی را که نیازمند تحصیلات دانشگاهی است، به شدت اجتناب داده اند.

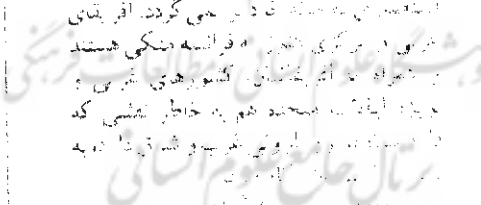
* نیروهای فرانسوی همچین

تهدیدات داخلی را غلبی میسازند. در بخشی از آفریقا که روز مهیای دست نشاندگان فرانسوی با استبداد و خیراندیشی (۱) حکمرانی می کنند هیچگونه اعتراضی به سیستم استعماری رسمی و چه سیستم استعماری ندارد.

مطرح میگردند اما ۱۹۶۰ سال بود که پاریس، برده ایچان با همه استعمارگران برادر اخیر از رستمدی و در فرانسه میزند

فرانسه همچنان به هم میسازد و استعماری خود را هر چه در آفریقا میزند صفحه ۱۰

آمد، انویولر سنگور رئیس جمهور تازه نشسته سنگال، سر در بار لغات فرانسوی ما برای خود مقامی داشتند.
میکالیل مینسل پاسکیر دبیر اول سدرت فرانسه در نیرویل (پایه تخت گابون) میگردند.
حاکمیت فرانسه در آفریقا از طریق هرالیسم فرهنگی برده و فرهنگ فرانسه نقش اقوا کننده ای داشتند.
* پیوندی بعد از آزادی
اول دهم ۱۹۶۰، دولت فرانسه با وظیفه ای بر زمین های زیر سلطه خود را آزاد کرد و نگاه با هر کجا که ایران قابل میگردند به عقد باقی مانده های نظامی اقتصادی و می پرانند. گفته اند که می توان نهاد و استعمارگران فرانسه را با کلاه کاسون ها،



ماشین آلات، حتی تجهیزات تلفی آن کشور را با خود بردند.

باستناد به بیانیه‌های وزارت خارجه فرانسه، این کشور بذلیل پیمان‌های نظامی خود حق دارد در بیست و پنج کشور آفریقایی نیرو و یا مستشار نظامی مستقر کند. بالغ بر ۲۲۰۰۰ کارکنار فرانسوی که «هنگام» نامیده میشوند در چهار جوب موافقت نامه‌های فنی در مدارس و ادارات دولتی آفریقا به کار مشغولند، و شاید یادآوری این نکته حائز اهمیت باشد که پیمان‌های اقتصادی فرانسویان، پشیمان پولهایی رایج مستعمرات سابق را که در قالب یک اتحادیه اقتصادی تشکیل یافته‌اند، تشکیل میدهد. و فرانسه با نگدار مرکزی این اتحادیه است.

همه این (وابستگی‌ها) حسن نیت عجیبی بین فرانسه و اکثر مستعمرات سابق آفریقایی بوجود آورده است. چارلز دو گالسه از کشورهای تحت استعمار با عنوان مهر امیز «بچه‌های من» یاد میکند و حالا مستعمره‌ها پاسخ او را میدهند. در حالیکه در آفریقای انگلیسی زبان، استعمارگران با فحش و ناسزای مردم روبرو میشوند. گابون اخیراً موضع خاصی اتخاذ کرده و نه یاد بود ساوورگان، دوبرازا، کاشفی که آفریقای غربی را تحت سلطه فرانسویان در آورد. نیری انتشار داده است. بومیان کامرون و ساحل عاج پیرامون‌هایی می‌باشند که بر زمینه روشن آن عکس‌الذریه کار دشمن رئیس جمهور سابق فرانسه نقش بسته است. اما باید خاطر نشان ساخت که برار دانهای فرانسویان پاره‌ای از کابوس‌های کشورهای رو به رشد را در این بخش از آفریقا تا محتمل ساخته است. از جمله این کابوسها میتوان به دولت‌های بی ثبات، فقدان کمک‌های تکنولوژیکی و برنامه‌های بی ارزش اشاره کرد.

کامرون، گابون و ساحل عاج در برهه معهود کشورهای غارده سبزه هستند که سطح زندگی بالاتری نسبت به دوره قبل از استقلال دارند. اما هنوز سوء تغذیه، تعداد مرگ و میر نوزادان و بیسوادی در حد وحشتناکی وجود دارد. گابون از پرکت‌شت و تولید آن بالاترین در آمد سالانه را در آفریقای سبزه به خرد اختصاص داده است.

تاریخ فرانسه نشان میدهد که این کشور، حوصله به مناقشات مسلحانه نواسته است. ت را در (افرن) برقرار کند. سرانجام فرانسوی یکبار شورش نظامی گابون را که البته بعد از مدتی فرانسویان را زمین می‌کند برکوب کرده، دولتی را برگزید که آنها نظر دوستانه‌ای ندارد بر قدرت نشانده‌اند. با نهضت‌های جریکی را در کامرون و

موریتانی خاموش کرده‌اند و مخصوصاً همان شبدهای گذر را از میان برده‌اند. فرانسویان دوباره در ایالت‌های زئیر چتر باز پیاده نموده‌اند. و در سال ۱۹۷۹ امپراتور آفریقایی مرکزی را از آریکه قدرت به پایین کشیدند. از قرار معلوم وی نه تنها حاکم مستبد فرانسوی بود بلکه آدمخواری هم میکرد.

* سرانجام فرانسوی یکبار

شورش نظامی گابون را که اورانیوم مورد نیاز فرانسه را تأمین می کند سرکوب کرده و دولتی را که نسبت به آنها نظر دوستانه‌ای دارد بر قدرت نشانده‌اند. آنها نهضت‌های جریکی را در کامرون و موریتانی خاموش کرده‌اند...

* دادوستد با کشورهای

آفریقایی دوازده درصد کل تجارت فرانسه را تشکیل میدهد و این افزایش ناگهانی باعث شده است که شمار فرانسویان در ساحل عاج به شش برابر زمان استقلال یعنی ۶۰/۰۰۰ نفر برسد.

* سرانجام و مشاوران

وزارت خارجه فرانسه میگوید: «در حال حاضر ۷۸۰۰ سرانجام فرانسوی در پنج کشور آفریقایی استقرار دارند، اما بر پایه گزارشهای مؤسسه روابط بین‌المللی، با احتساب مستشاران نظامی شمار نظامیان فرانسوی مستقر در آفریقا به ۱۲۲۰۰ نفر بالغ میشود.

رئیس‌ان آفریقایی (علاقه‌مند به فرانسه)، بی توجه به اعتراضاتی که در زمینه رفتارهای نه‌خاصی فرانسویان صورت میگیرد، به نظر میرسد که از حضور آنها در قاره سبزه خوشنود باشند. وقتی که سازمان وحدت آفریقا با ارائه قطعنامه‌ای خواستار خروج نیروهای فرانسوی از قاره شد اکثریت آنها رای مثبت دادند، اما طبق اظهارات یک کارشناس نظامی بطور غیر رسمی از فرانسه سراسرند که همچنان به حضور خود ادامه دهد. کارشناس فرانسوی در ادامه سخنان خود می‌افزاید: «چون پس از خروج سرانجام

فرانسوی و اتحادیه‌های آن پس از آن مستبد به چاه سرانجام کشیدند. آنها در دوران آفریقایی کشور را در دسترس از آن‌ها قرار دادند که دوباره برگردند.

سرانجام فرانسوی در قاره آفریقایی که از سوی غاروب‌ها، اهل و بریزه لیبی و کوبا متوجه قاره سبزه است. این واقعیت نقش یک سرکوب را با آن مستبدان که می‌توانند آفریقا را در مجموع من آنجهول هزار سرانجام آفریقا را در نظر بگیرند. با هر نظر گری این نهادهاست. اما در آفریقا، گابون از استقرار فرانسویان در کنار خود حاکم در حاکم خود استقبال کرده است.

جودهای فرانسوی همچنین به‌دلیل داخلی را خنثی می‌کند. در حالی که رژیم‌های دست‌نشانده فرانسوی با استبداد و غیر انسانی (حکمرانی میکنند، هیچگونه اعتراضی به بیسواری و جهل به صورت، معنی وجود ندارد و نه همین رابطه یک ناظر آمریکایی می‌گوید: «اگر فرانسویان خارج می‌شدند مخالفت شکل میگرفت و یک رئیس جمهور مقداری از قدرت خود را از دست میدادند.

* تجارت و کمک فرانسه بیشتر بر زمینه‌های تجاری و بازرگانی در آفریقا سرمایه گذاری میکند. این کشور بیشتر بر سرمایه‌گذاری در صد آورانیوم و مقدار قابل توجهی از منگنز، کبالت و سرب - مورد نیاز خود را از آفریقا تهیه میکند. و در مقابل تجهیزات سنگین، (ظرفهای) می‌سازد. پروژه‌های ساختمانی و شراب و پیر صند می‌سازند. کتاب‌های آنها میکنند که بیش از هر مله دیگر در دنیا شامپانی می‌نوشند.

داد و ستد به کشورهای آفریقایی دوازده درصد کل تجارت فرانسه را تشکیل میدهد و این افزایش ناگهانی باعث شده است که شمار فرانسویان در ساحل عاج به شش برابر زمان استقلال یعنی ۶۰/۰۰۰ نفر برسد. در گابون تعداد شهر و دهان فرانسوی سبزه به دو دهه پیش سیر صعودی داشته و تا مرز ۲۵/۰۰۰ نفر رسیده است.

مستعمرات پیشین، بیش از فرانسه به برقراری روابط با آن کشور وابستگی نشان میدهند. گابون و ساحل عاج بوسوم و کامرون تقریباً تماماً واردات خود را از فرانسه می‌نورند و هر سه در مورد معاهدات تجاری با یک چهارم به فرانسه وابسته هستند.

فرانسه در نظر سال حقوقی نزدیک ۸۶ میلیون دلار به مستعمرات خود می‌پردازد. مستعمرات شایعاً در شرایط مرهاند کرد و البته در اعطای بخش دولتی از این مبلغ ششده صفحه ۲۶

ارباب استعمارگری...

تولید فراورده های مورد نیاز فرانسه و نیز خرید کالاهای فرانسوی از سوی کشورهای یاد شده نقش تعیین کننده ای خواهد داشت. کمک های فرانسه در اقتصاد محدود و توسعه یافته آفریقا، تاثیر بسیار زیادی دارد. (برای مثال) نسیمی از کمک هایی که برای پیشرفت کامرون به آن کشور واگذار میشود، از جانب فرانسه تامین میگردد.

*** منبع مهارت ها**
کشورهای تحت سلطه فرانسه در زمینه (کسب) مهارت و دستیابی به تخصص نیز محتاج فرانسه هستند. برپایه برآوردهای بانک جهانی، در ساحل عاج خارجیانی که اکثر آنها را فرانسویان تشکیل میدهند، هشتاد درصد مشاغل را کادر فرانسوی تشکیل میدهند. دانشگاهی است که در این کشور به منظور تربیت درگابون، حتی فرماندهی نیروی دریایی در ریاست گذارده است. جمهوری برون دی فرانسوی ها برعکس دارند. ونالد بریان کم از صد ایلان «همکاران» فرانسوی تسلط بر وزارت برنامه ریزی می که به «کنسول» در کامرون است. کار خود ادامه دهند.

شاید آقای بریان حتی دانسته باشد، اما حتی مطمئن ترین و جانمردم ترین دولت وندان فرانسوی، از بویوشی رئیس هیئت به تعهدات و عملکرد های خود بیخبرند. بیاد بانک و تولید نگاه میکنند. فرانسه، بر زمانی که در آفریقا، با جریک های نامطمئن صاحب منطقه را به خطر انداخته بودند، میبایست از این موضوع ژاندارمری خود سرزمین های تحت استعمار را پاسداری کند. امر حاکم به صورت یک ارتش وحشتناک و همگام با یکدیگر است. و سرهنگ همفرادامی، وزیر مستعمرات آفریقای زیر سلطه فرانسویان را تهدید میکند.

ژانویه گذشته، سرهنگ آدانی کشور جدید را که از جمله نقاط استراتژی آفریقا است به خاک خود ضمیمه کرد. برده از میروند که لیبی از بیاد بعنوان پایگاهی برای گسترش ناآرامی به کشورهای مسلمان آفریقا بود. گیری کس اقتصاد ناموران همسایگان جدید و نیز شدت خصومت های مذهبی زمینه مساعدی برای تسریع اغتشاشات فراهم آورده است.

ژنرال کاردینال، رئیس جمهور سابق فرانسه، از ملحوظ نگردن خود به گریز با چنگی که به وقت به خاطر فقط منابع غرب بر

افزایش صورت بگیرد ناختنود بود. وی مدتها به سوی مبارزه کرده زمانی که سواست نظر موافق دولت کارس و دیگر کشورهای اروپایی غربی را برای پاسداری از قاره سناه ملایم کن از ادامه مبارزه منصرف شد. استگتن میل داشت که از آفریقا صرفا عسکر بیگانه ای برای مداخله احتمالی برده رزمیانه استفاده کند و این مهم ترین جنبه است آمریکا از آفریقا بود در حال حاضر ایالات متحده با برخورداری از پایگاههای خود در کوبا و سومالی، خطوط کشمیرانی اقیانوس هند را زیر نظر دارد.

اگر آمریکا شایستگی ایضا نقش ژاندارمی آفریقا را نداشته باشد شواهدی در دست است که نمیتوان از رئیس جمهور تازه راگزیده فرانسه نیز چنین انتظاری داشت. وقتی که آقای میتران در جناح مخالف کشور خود قرار داشت، فرانسه را متهم می ساخت که با دخالت نظامی در آفریقا کار می کند. میتران در این باره میگوید: پس از بدوین سال در فرانسه و کشورهای همسایه اقتصادی و اقتصادی را که عوامل موثری بی ثباتی آفریقا هستند، در اولویت قرار داد. حزب میتران تصمیم گرفته است که توافق نامه های نظامی فرانسه را در آفریقا مورد تجدید نظر قرار دهد. بدین ترتیب برده های فرانسوی برای حمایت از رژیم های حاکم بر قاره سیاه به کار گرفته خواهند شد.

طبق پیش بینی های دو مینیک موانی، یکی از صاحب نظران موسسه فرانسوی روابط بین المللی «از این به بعد، جنبه نظامی روابط فرانسه با آفریقا، چندان در مد نظر نخواهد بود و به مسائل اقتصادی و اجتماعی، تاکید زیادی نشان داده خواهد شد».

*** تنوع طلبی در تجارت**
دستعمرات فعلی رسماً در صدد برآمدند استعانت از گرانگی خود را منحول سازند. آقای هوفوئیت بواگنی رئیس جمهور ساحل عاج تصمیم گرفته است که بجای پیمانهای دادن شخصاً در مذاکرات مربوط به واردات های دولتی اظهار نظر کند. از این طریق او قادر خواهد بود درآمد (کشور) را کنترل کند. بیان کادی مدیر محلی شرکت ساختمانی متعلق به انگلستان که اخیر دو درآمد با رئیس جمهور منعقد ساخته است میگوید: او (هوفوئیت) بواگنی (کشور) فرانسویان را زیر نظر گرفته است».

آقای بواگنی با پافشاری های خود سهم فرانسه را در اقتصاد ساحل عاج از نود درصد به رزم نکان دهند هشتاد و پنج درصد کاهش داده است. فرانسه در عرض چهار سال گذشته، بخش عظیمی از بازار اتومبیل خود

را در برابر ژاپنی ها از دست داده است. اما آفریقاییها با این حقیقت روبرو شده اند که دگرگونی سیاست بازرگانی و تنوع بخشیدن به آن چندان ساده و آسان نیست. شرکتهای آمریکائی و دیگر ممالک اروپائی تمایل زیادی به آفریقای فرانسوی زبان نشان داده اند، چرا که در این کشورها بازار ها کوچک و محدود هستند و نیروی انسانی هزینه گزافی بر میدارد. در ضمن کمپانی های فرانسوی بخوبی جای خود را باز کرده اند. شرکتهای آمریکائی همچنین از نتایج خود در رقابت با وام های ساختمانی که بهره که رقابتی اروپائی آنها در دولت های خود دریافت میدارند شکایت دارند.

*** مبارزه سخت**
فرانسوی ها برای حفظ بازارهای خود به سختی مبارزه میکنند. بازرگانان انگلیسی و آمریکائی از این امر گله مند هستند که «همکاران» فرانسوی شافل دروزا، تخانه های آفریقائی اطلاعات بیشتری بر زمینه واردات های دولتی در اختیار پیمانکاران هموطن خود قرار میدهند. بانکداران فرانسوی همان با قدرت و شدت بر علیه حبس مانهاتان که میخواست در کامرون شعبه بازگشایی کردند که دیویدراکفلر رئیس وقت بانک مجبور شد برای امضای توافق نامه، راساً از کامرون دین کند.

با همه این تردیدها، تصور فراخوانی حتر بازارهای جوان فرانسوی به سختی امکان پذیر است و بعید به نظر میرسد که (ارژیم های) آفریقائی با طیب خاطر و بدون اصرار و تمنا به خروج آنها تن در دهند.

یک کارشناس فرانسوی میگوید: «به رغم تغییر دولت، سوابق همچنان به قوت خود باقی هستند».

در کاربرد «سوابق»، کارشناس مذکور سرمایه گذاری هنگفت فرانسه در آفریقا، وابستگی فرانسه به مواد خام قاره سیاه، وجود شماری از فرانسویان در کشورهای آفریقائی و نیاز آنها را به حمایت و پشتیبانی، ملحوظ نظر خود قرار داده است.

ژان کیتس، سرپرست یک هیئت فرانسوی که مامور بررسی زمینه های همکاری در آبیجان شده، معتقد است که «اگر آقای میتران قصد دارد همکاری های اقتصادی خود را با آفریقا افزایش دهد، ضرورت دارد که بر حضور فرانسویان در آفریقا نیز افزوده شود».

بگمان یکی از سفرای ایالات متحده در بخش فرانسوی زبان آفریقا: «انتخاب آقای میتران هیچ تغییری در تعمیم منافع فرانسویان نخواهد داشت».